

بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران

پرویز محمدزاده*

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز Pmohamadzadeh@yahoo.com

حسین اصغرپور

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز Asgharpurh@gmail.com

امید منیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تبریز

Omid.maniei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۲۳

چکیده

در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی در زمینه‌ی شناخت و آگاهی اقتصاددانان پیرامون فعل و انفعالات موجود بین احساسات نیروی کار و بهره‌وری انجام شده است. این مطالعات فرآیندهای مربوط به تحلیل‌های ذهنی و احساسی را در قالب متغیری به‌نام شادی در معادلات و فرمول‌های اقتصادی وارد می‌کند. شادی نیروی کار می‌تواند از کانال افزایش بهره‌وری بر رشد اقتصادی مؤثر بوده و از این جهت بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن حائز اهمیت است. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران می‌باشد. با توجه به ماهیت رتبه‌ای متغیر وابسته شادی نیروی کار روش حداکثر راست‌نمایی داده‌های تابلویی احتمالات ترتیبی^۱ برای داده‌های پرسش‌نامه‌ای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به کار گرفته شده است. یافته‌های تجربی نشان‌دهنده‌ی تأثیر مثبت و معنی‌دار درآمد بر شادی نیروی کار در ایران می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: A300, A130, I000, I100, I200

کلید واژه: شادی نیروی کار، درآمد نیروی کار، بهره‌وری، انتخاب‌های ترتیبی، تحصیلات

* - نویسنده مسئول

1- Ordered choice modeling with panel data.

۱- مقدمه

شاید بتوان گفت یکی از مهیج‌ترین و جالب‌ترین تغییرات در علم اقتصاد، حداقل در سال‌های اخیر، معرفی ایده‌ای به‌نام شادی در اقتصاد بوده است. در گذشته بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک برای اندازه‌گیری رفاه فردی بیش‌ترین توجه خود را بر روی ثروت، دارایی، مصرف و یا کل پول موجود در دست فرد معطوف می‌کردند. ولی امروزه، مفهومی به نام شادی در مقایسه با مفاهیم رفاه مادی جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرده است. این مفهوم برای تحلیل این‌که چگونه فاکتورهای اقتصادی مانند درآمد، ثروت و اشتغال به‌خوبی فاکتورهای غیراقتصادی مانند ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی و فاکتورهای جمعیتی، بر رفاه و شادی و یا به عبارت ساده‌تر بر مطلوبیت افراد تأثیرگذار است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ورود تحلیل‌های شادی به مباحث اقتصادی از آن‌جا نشأت می‌گیرد که استرلین^۱ در سال ۱۹۷۴ هم‌بستگی بین رشد اقتصادی و شادی افراد را مورد آزمون قرار می‌دهد. نتیجه‌ی بررسی ۲۰ ساله‌ی استرلین حاکی از آن بوده است که با وجود رشد اقتصادی ایالات متحده‌ی آمریکا، سطح شادی مردم افزایش چندانی از خود نشان نمی‌دهد، که این مسئله بعدها به تناقض استرلین^۲ معروف شده است. نتیجه‌ی مطالعات استرلین این بوده است که ارتباطی بین توسعه‌ی اقتصادی جوامع با متوسط سطح شادی مردم، وجود ندارد.

با این وجود که مسئله‌ی تناقض استرلین بعدها به‌وسیله‌ی سایر اقتصاددانان^۳ رد می‌شود، اما باید مطالعات استرلین را به‌عنوان آغازگر مباحث شادی دانست، به‌طوری‌که تئوری وی در زمینه‌ی ارتباط بین درآمد و شادی افراد به‌عنوان یکی از مقالات بزرگ و مطرح در ادبیات اقتصاد شادی می‌باشد که تأثیر فاکتورهای متعدد و گوناگون را روی شادی فردی تحلیل می‌کند. فروض اساسی این مطالعات در این است که به‌طور حتم مردم می‌خواهند شاد باشند و ترجیح می‌دهند در فعالیت‌هایی شرکت کنند که آن‌ها را شاد می‌کند نه فعالیت‌هایی که آنان را ناراحت می‌کند (مگر این‌که در عمل تجربه چیز دیگری را نشان دهد). بحث شادی و نسبی بودن تعریف آن بسته به فرهنگ‌ها و سایر عوامل مؤثر نشان می‌دهد که متغیری به‌نام شادی نه یک شاخص عینی، بلکه یک شاخص ذهنی است، به طوری‌که این شاخص در تحلیل‌های رفاهی، رفاه ذهنی^۴ را مورد

1- Easterlin.

2- Easterlin Paradox.

3- Stevenson & Wolfers, 2008.

4- Subjective Well-Being.

بررسی قرار می‌دهد که در آن افراد سطح رفاه معینی را در ذهن خود و با توجه به اثر فاکتورهای گوناگون (اقتصادی و غیراقتصادی) درک و تجربه می‌کنند.

سئوالی که مطرح می‌شود این است که چرا افراد مختلف سطوح متفاوتی از شادی و رضایت‌مندی را در زندگی خود احساس می‌کنند؟ فاکتورهای گوناگونی را می‌توان بر شمرده که بر سطح شادی افراد تأثیر می‌گذارند، در نتیجه یکی از مهم‌ترین وظایفی که بر دوش محققان زمینه شادی می‌باشد، تجزیه و تحلیل این مسئله است که چه شرایطی بر سطح شادی و رضایت‌مندی فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد، اما نکته‌ی اصلی که در این مطالعات بایستی مورد توجه قرار گیرد، این است که تحقیقات مربوط به شادی اقتصادی نباید فقط به تحلیل فاکتورهای اقتصادی بر روی رفاه ذهنی افراد یا همان مقوله‌ی شادی، محدود شود. مطالعاتی که در زمینه‌ی شادی وجود دارند، می‌کوشند تا اهمیت نسبی جنسیت، شخصیت، عوامل اجتماعی - جمعیت شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را به صورت کمی و کیفی مشخص کنند.

این عقیده که شادی هدف نهایی و بی‌چون و چرای افراد در زندگی می‌باشد، مورد تردید قرار گرفته است. شادی الزاماً تنها و مهم‌ترین هدف در زندگی افراد نمی‌باشد. برای مثال نظریه‌ی تابع تولید اجتماعی^۱ که به وسیله‌ی لیندنبگ و فری^۲ (۱۹۹۳) تدوین شده است، دو هدف نهایی را که هر انسانی در زندگی خود به دنبال بهینه‌سازی آن است، (رفاه جسمی و رفاه اجتماعی)، ارائه می‌کند. شادی هدف ثابتی که افراد در آرزوی رسیدن به آن باشند، نیست. بلکه شادی محصول زندگی خوب است که در بلندمدت رضایت از زندگی را به دنبال خود به همراه دارد.

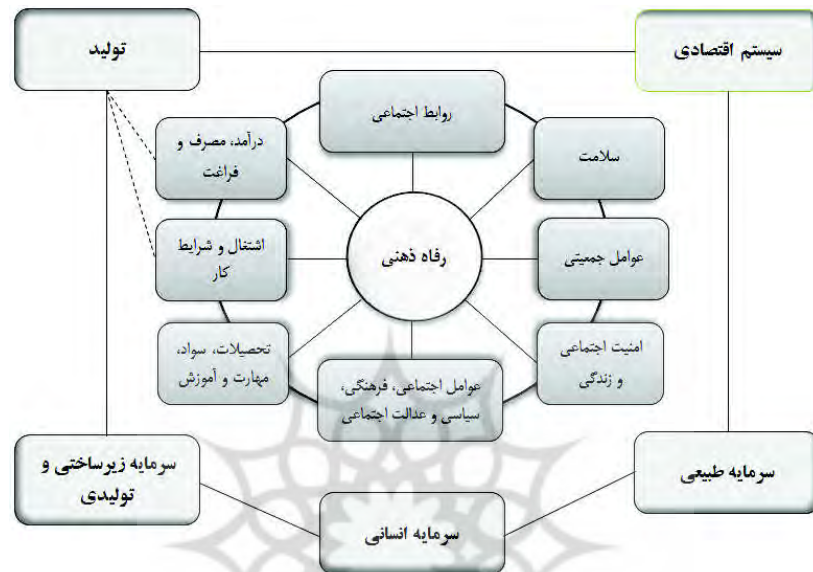
همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، عوامل بسیاری بر رفاه ذهنی افراد تأثیرگذار هستند. رفاه ذهنی نتیجه‌ی حاصل از برآیند اثرات همه‌ی عوامل مؤثر در زندگی فرد اعم از فاکتورهای شخصی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌باشد. تمامی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد از فرآیند تغییرات اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. فرآیند تغییرات اجتماعی براساس مطالعه‌ی مانتزاولینوس، نورث و شریق^۳ (۲۰۰۴)، از واقعیات آغاز شده و با اثرگذاری بر باورها، در نهایت نتیجه‌ی آن در واقعیات منعکس می‌شود، اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که بازخورد نوع تفسیر ذهن انسان از این تغییرات و این‌که انسان‌ها چگونه به این تغییرات واکنش نشان می‌دهند، برای محققان روشن نیست، اما مدل‌های موجود علم اقتصاد قادر به تبیین بعد احساسی و ذهنی انسان نمی‌باشد. از این

1- Social Production Function Theory.

2- Lindenberg and Frey.

3- Mantzavinos, North & Shariq .

نظر بررسی فاکتورهای روحی، روانی و احساسی نقش مهمی را در شناسایی افکار انسان برای انجام انواع انتخاب‌ها، ایفا می‌کند.



(منبع: May, 2007)

نمودار ۱- عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی افراد

در این میان، چگونگی ارتباط بین درآمد به عنوان یکی از متغیرهای مهم اقتصادی و شادی نیروی کار یکی از متغیرهای ذهنی، سؤال مهمی است که نظر اقتصاددانان را به خود جلب کرده و در مطالعات تجربی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه اجماع بر این است که درآمد تأثیر مثبت بر روی رفاه فردی برجای می‌گذارد و این ارتباط از نظر آماری معنی‌دار و از نظر مقداری و کمی نسبتاً کوچک است. گواه و شاهده‌ی که برای این یافته‌ها وجود دارد را می‌توان در مطالعات افرادی مانند فری و استانزر^۱ (۲۰۰۲) و ون پراگ و فرر-آی کربونل^۲ (۲۰۰۴) مشاهده کرد. از آن‌جا که ارتباط بین دو متغیر درآمد و شادی نیروی کار به ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها بستگی دارد و بر اساس مطالعات تجربی در اقتصادهای

1- Frey and Stutzer.

2- Van Praag and Carbonell.

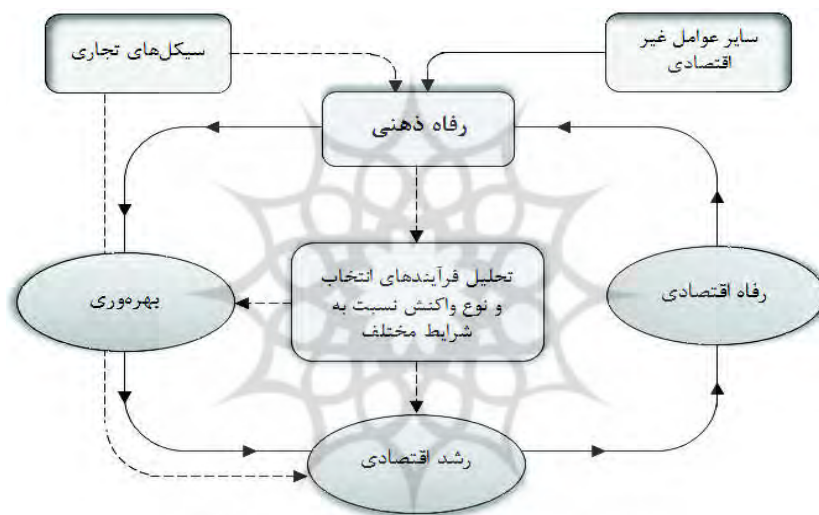
مختلف نتایج متفاوتی به دست آمده است، لذا با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، سؤال اساسی قابل طرح در این تحقیق چگونگی اثرگذاری درآمد بر شادی در ایران می‌باشد.

۲- مبانی نظری

از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان رضایت‌مندی افراد، می‌توان درآمد افراد را نام برد. نیاز به بهره‌وری و بازدهی بالای نیروکار برای تولید بیش‌تر و با کیفیت‌تر و نیز ایجاد انگیزش و رغبت مضاعف در افراد جهت انجام کار بهتر، محققان را به بررسی عوامل مؤثر بر مسائل روحی و غیراقتصادی افراد مانند میزان مطلوبیت یا به عبارت دیگر یک مفهوم ذهنی به نام شادی واداشته است. بررسی عوامل مؤثر بر مطلوبیت افراد می‌تواند زمینه را برای افزایش مطلوبیت نیروی کار و در نتیجه افزایش انگیزه برای کار بهتر فراهم کند، که این امر در نهایت می‌تواند موجب افزایش بازدهی و بهره‌وری نیروی کار شده و تأثیر غیرقابل انکاری بر رشد تولید و در نتیجه‌ی رشد متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. نمودار ۲، جایگاه اثرگذاری رفاه ذهنی را در چرخه‌ی اقتصادی نشان می‌دهد. سایر عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در نمودار ۱ نشان داده شده است. در حقیقت نتایج مطالعات محققان در ارتباط بین شادی و بهره‌وری نشان می‌دهد که شادی افراد تا چه اندازه می‌تواند بر بهره‌وری و عملکرد شغلی مؤثر باشد. بی‌گمان مطالعه‌ی وضعیت رفاه ذهنی می‌تواند نقش به‌سزایی در بررسی سطح بهره‌وری و عوامل مؤثر بر آن داشته باشد. هم‌چنین مطالعات در حوزه‌ی رفاه ذهنی و شادی فرصت بسیار مناسبی را در ارائه‌ی تحلیل‌های دقیق‌تر و واقعی‌تر از رفتار انسان و فرآیندهای ذهنی مؤثر بر مکانیسم انتخاب توسط انسان به دست می‌دهد. این مطالعات با سنجش وضعیت پاسخ‌دهی انسان به شرایط مختلف می‌توانند به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیش‌بینی واکنش مردم به شرایط اقتصادی به حساب آیند.

به‌عنوان مثال، چگونگی اثرپذیری اقتصاد از بحران‌ها و سیکل‌های تجاری، به‌ویژه در رکود اقتصادی، در کشورهای مختلف متفاوت است. مطابق ادبیات اقتصادی، سیکل‌های تجاری می‌تواند از کانال‌های مختلف از جمله کانال رفاه ذهنی رشد و رفاه اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در نمودار ۲ تنها نحوه‌ی تأثیرگذاری سیکل‌های تجاری از کانال رفاه ذهنی بر بهره‌وری و در نتیجه‌ی رشد اقتصادی نشان داده شده است. البته باید توجه داشت که سیکل‌های تجاری ضمن این‌که به طور مستقیم بر شادی و یا مطلوبیت افراد تأثیرگذار است، می‌تواند به طور غیرمستقیم و از کانال‌های مختلف اقتصادی (مانند درآمد، مصرف، تورم و غیره) و غیراقتصادی (مانند جرم، عوامل جمعیتی و اجتماعی)

شادی افراد را نیز تحت تأثیر قرار دهد که این مسئله تا حدی در نمودار ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که از نمودار ۲ معلوم است، رفاه ذهنی و یا شادی افراد می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری سیکل‌های تجاری بر رشد اقتصادی تلقی شود و از رشد اقتصادی نیز تأثیر پذیر باشد. لازم به یادآوری است که هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار است و تبیین تئوریک چگونگی تأثیرگذاری شادی افراد بر رشد اقتصادی مد نظر نیست، ولی بحث نمودار ۲ فقط به منظور نشان دادن اهمیت توجه به مقوله‌ی شادی افراد در تحلیل‌های اقتصادی ارایه شده است.



منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۲- جایگاه رفاه ذهنی در چرخه‌ی اقتصادی

سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که تعامل بین شادی افراد و رشد اقتصادی و در نتیجه سیکل تجاری چگونه است؟ به عبارتی، نحوه و شدت تأثیرگذاری سیکل تجاری بر شادی و نیز نحوه تأثیرگذاری شادی افراد بر سیکل تجاری سؤال مهم در حوزه اقتصاد شادی می‌باشد. این بحث از این جهت در ادبیات اقتصادی حائز اهمیت است که با مشخص شدن میزان و جهت اثرگذاری این متغیرها در کشورهای مختلف می‌تواند این مسئله را روشن کند که شادی یا رفاه ذهنی افراد تشدید کننده‌ی سیکل می‌باشد یا تضعیف کننده‌ی آن؟ برای مثال در کشورهای فقیر یک افزایش کوچک در درآمد می‌تواند با افزایش قدرت خرید میزان شادی افراد را به شدت افزایش

دهد. این افزایش در شادی عاملی برای افزایش بهره‌وری، خوش‌بینی نسبت به آینده و در نتیجه‌ی رشد تولید و رشد اقتصادی باشد. بنابراین شادی برای این کشور به‌عنوان عاملی همسو با رونق اقتصادی می‌باشد که تشدید کننده و سرعت دهنده‌ی آن به‌شمار می‌رود، این در حالی است که همین مقدار افزایش برای کشورهای ثروتمند ممکن است، تأثیر چندانی بر شادی و رفاه ذهنی افراد نداشته باشد، بنابراین واکنش افراد به سیکل‌های تجاری و نیز سیاست‌های اقتصادی در جوامع اقتصادی مختلف متفاوت است. با این حال شناخت و آگاهی اقتصاددانان درباره‌ی فعل و انفعالات موجود بین احساسات و بهره‌وری انسان کافی نیست. اگرچه به‌نظر می‌رسد بین شادی افراد و تصمیمات کاری افراد (مانند میزان تلاش و کوشش) یک رابطه‌ی بسیار قوی وجود داشته باشد، اما با این وجود، شواهدی وجود ندارد که نشان دهد آن‌ها چگونه و به چه دلیلی با یکدیگر مرتبط هستند. آرگیله^۱ (۲۰۰۱)، اشاره می‌کند که این مسئله قابل درک است که چگونه شادی و رضایت‌مندی از زندگی، بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد رضایت شغلی یک رابطه‌ی مثبت با بهره‌وری کارگران دارد. رایت و استاو^۲ (۱۹۹۹)، نشان داده‌اند که شادی در بلندمدت اثر مثبت و معنی‌دار بر روی بهره‌وری دارد. بوام و لیبومیرسکی^۳ (۲۰۰۸)، شادی فرد را این‌گونه تعریف می‌کنند: فرد شاد کسی است که بارها احساسات مثبتی مانند لذت، رضایت، خرسندی، شور و شوق و علاقه را در زندگی خود تجربه می‌کند. آن‌ها سپس با استفاده از مطالعات تجربی و طولی^۴ نشان می‌دهند، افرادی که دارای این خاصیت هستند در کارهایشان موفق‌ترند.

در این راستا بررسی اثرات نهایی عوامل تأثیرگذار بر شادی افراد، به‌ویژه درآمد افراد می‌تواند به‌عنوان ابزاری بسیار مهم و کارآمد در جهت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی باشد تا به‌وسیله‌ی آن پیش‌بینی نتایج حاصل از سیاست‌های اقتصادی هرچه بهتر، دقیق‌تر و نزدیک‌تر به مرزهای واقعیت انجام گیرد.

1- Argyle.

2- Wright & Staw.

3- Boehm & Lyubomirsky.

۴- مطالعات طولی نوعی از روش تحقیق است که، به مشاهده‌ی یک گروه در یک دوره‌ی زمانی مشخص می‌پردازد. مزیت این روش آن است که می‌توان چگونگی تأثیرگذاری یک وضعیت در افراد را طی مدت زمان طولانی مورد نظر قرار داد. ولی در هر صورت، از آن‌جا که نمی‌توان تفاوت‌های فردی اعضای گروه را کنترل کرد، نتیجه‌گیری در باره‌ی کل گروه مشکل خواهد بود.

۳- مطالعات تجربی

امروزه شمار مطالعات خارجی که با محوریت شادی انجام می‌شود به شدت در حال افزایش است، به طوری که تقریباً در بیش‌تر این مطالعات تأثیرگذارترین متغیر یعنی درآمد، در کانون توجه قرار گرفته است.

مطالعه‌ی نابه و راتزل^۱ (۲۰۱۰) یکی از مهم‌ترین مطالعاتی است که در زمینه‌ی بررسی رابطه‌ی بین درآمد و شادی انجام شده است. این مطالعه با استفاده از ۱۳۰۰۰ الی ۱۷۰۰۰ داده با مشاهدات همه‌ی زوج‌هایی که در بازه‌ی سنی بین ۱۸-۶۵ قرار می‌گیرند و به‌عنوان افراد فعال حساب می‌شوند، برای سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۸ برای کشور آلمان انجام شده است. آن‌ها با استفاده از مدل پانل دیتا به‌صورت لگاریتمی با اثرات ثابت^۲ به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر درآمد بر روی شادی مثبت می‌باشد، اما بعد از یک حد مشخصی این اثر منفی می‌شود. به این‌صورت که تقاضا برای درآمد بالاتر نیازمند کار و تلاش بیش‌تری است و کار بیش‌تر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی می‌باشد.

کاپوراله، گورگلیس، تسیتیانیس و یین^۳ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای که با استفاده از داده‌های مقطعی دو دوره‌ای (۲۰۰۲ و ۲۰۰۴) برای ۱۹ کشور اروپایی به روش مدل پروبیت ترتیبی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری از نظر آماری بین درآمد و شادی وجود دارد، اما این رابطه در مورد منبع درآمد ضعیف می‌باشد. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر درآمد بر شادی در کشورهای اروپای غربی منفی بوده، ولی این تأثیر در مورد کشورهای اروپای شرقی مثبت است.

پاولس، سیگرس و ولاسبلوم^۴ (۲۰۰۷)، مطالعه‌ای را با استفاده از یک نمونه‌ی ۱۳۴۹ تایی از زوج‌هایی که سن‌شان بین ۱۸-۶۵ بوده است، برای سال ۱۹۹۹ در کشور آلمان و به‌روش مدل پروبیت ترتیبی انجام داده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از تأثیر مثبت درآمد فرد و همسر وی بر روی شادی می‌باشد.

گلدن و توارس^۵ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های پرسش‌نامه‌ای سال ۲۰۰۲ برای کشور آمریکا و با روش نسبت احتمالات اقدام به بررسی رابطه‌ی بین "ساعات کار اضافی و درآمد با شادی" کرده‌اند. نتایج به‌دست آمده از این مطالعه حاکی

1- Knabe & Rätzl.

2- Fixed Effects.

3- Caporale, Georgellis, Tsitsianis, Yin.

4- Pouwels, Siegers & Vlasblom.

5- Golden & Wiens-Tuers.

از آن است که کسب درآمد بیش تر از طریق ساعات کار اضافی شادی فرد را افزایش نمی‌دهد.

آنجلو و زازارو^۱ (۲۰۰۹)، مطالعه‌ای را در رابطه‌ی بین درآمد نسبی و شادی در ایتالیا انجام داده‌اند. نتایج این مطالعه با استفاده از داده‌های پرسش‌نامه‌ای درآمد و ثروت خانوار در سال ۲۰۰۶ و با استفاده از روش احتمال ترتیبی و با این فرض که شادی نه تنها به سطح درآمد مطلق و بلکه به سطح درآمد نسبی وابسته است، بدین صورت می‌باشد که برای افراد با درآمد بالا و افراد با درآمد پایین، اثرات نامتقارن بر روی شادی فردی وجود دارد.

۴- اطلاعات آماری و معرفی مدل

تمامی داده‌ها و اطلاعات به کار رفته در این تحقیق از طرح‌های پرسش‌نامه‌ای اجرائی شده به وسیله‌ی شبکه‌ی برابری ارزش‌های اجتماعی و یا به اختصار سایت WVS، استخراج شده است. برابری ارزش‌های جهانی یک شبکه‌ی جهانی از دانشمندان علوم اجتماعی می‌باشد که هدف اصلی آن مطالعه و بررسی تغییرات ارزش‌ها و تأثیرات آن بر زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. این شبکه‌ی همکاری اجتماعی، یک سازمان غیرانتفاعی است که جایگاه آن در استکهلم سوئد می‌باشد. WVS در همکاری با سازمان EVS^۲ بررسی‌های پرسش‌نامه‌ای را در سطح ملی در ۹۷ کشور برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات انجام می‌دهد که نمونه‌های مورد بررسی بالغ بر ۹۰ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شود. این پرسش‌نامه‌ها تغییرات نافذ و فراگیر در آن چه که مردم از زندگی می‌خواهند و به آن ایمان و اعتقاد دارند را نشان می‌دهد. برای نمایش این تغییرات، EVS/WVS پنج طرح پرسش‌نامه‌ای را از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۷ و به صورت هر پنج سال یک بار اجرا می‌کند. نمونه‌هایی که از عموم جامعه انتخاب می‌شوند، به عنوان نماینده‌ی هر ملت می‌باشند که اطلاعات این پرسش‌نامه‌ها از طریق مصاحبه با این نمونه‌های انتخاب شده جمع‌آوری شده است.

پرسش‌نامه‌های طراحی شده نیز دارای سؤال‌های استاندارد می‌باشد که تغییرات ارزش‌ها را با در نظر گرفتن نقش عواملی هم‌چون مذهب، جنسیت، انگیزه‌ی کار، دموکراسی، حکمرانی خوب، سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی، دامنه‌ی تغییرات دیگر گروه‌ها، حفاظت محیطی و رفاه ذهنی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار می‌دهند.

1- Angelo & Zazzaro.

2- European Values Study.

کشورهای مشمول این بررسی طیف وسیعی از کشورهای جهان را در بردارد؛ کشورهایی از نوع رتبه‌بندی بسیار فقیر تا بسیار ثروتمند، از سیستم‌های حکومتی دیکتاتوری تا لیبرال دموکراسی و نیز تمامی مناطق با اکثریت فرهنگی را تحت پوشش قرار می‌دهند. این پرسش‌نامه‌ها اطلاعات با ارزشی را درباره‌ی اجزاء تعیین‌کننده‌ی تغییرات اجتماعی فراهم می‌کنند: ارزش‌ها، اعتقادات و انگیزه‌های شهروندان عادی. این منبع جدید اطلاعات گواهی بر اثبات این مسئله است که اعتقاد افراد نقش کلیدی را در توسعه‌ی اقتصادی بازی می‌کند، ظهور و تجلی نهادهای دموکراتیک، افزایش برابری جنسیتی و گسترش آن‌چه که جامعه‌شناسان آن را دولت کارآمد می‌نامند. شبکه‌ی WVS تأثیر تغییر فرهنگ جهانی را روی توسعه‌ی اقتصادی، نوآوری، کیفیت زندگی و دموکراسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در این شبکه پرسش‌نامه‌های خودسنجی^۱ می‌باشند. پرسش‌نامه‌های خودسنجی جزو انواع آزمون‌های روان‌شناختی و نوعی از پرسش‌نامه‌های ارزیابی جامع شخصیت افراد می‌باشند. در این نوع از پرسش‌نامه‌ها، از فرد خواسته می‌شود که از یک فهرست ویژگی‌ها و صفاتی که برای وی مشخص می‌شود، آن صفاتی را که توصیف‌کننده‌ی شخصیت اوست مشخص کند و از بین رفتارهای مختلفی که در وضعیت تصویری و فرضی وجود دارد، رفتاری که می‌تواند بیانگر صفات مشخصه‌ی وی باشد را انتخاب کند.^۲

از مجموعه‌ی ۵۱۱۹ نفر مصاحبه شده برای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵، در کشور ایران، شامل تمامی استان‌ها، افرادی که از نظر شغلی در وضعیت، اشتغال تمام وقت، پاره وقت و خود اشتغالی قرار دارند، ۲۱۱۴ نفر به‌عنوان نیروی کار فعال انتخاب شده و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ساختار سنی این جامعه‌ی آماری افراد بین ۱۸ الی ۶۵ سال و سال‌های مورد بررسی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ است که این فاصله‌ی زمانی در نظر گرفته شده برای دو سال مورد نظر به‌منظور، ایجاد فرصت کافی برای به‌وجود آمدن تغییرات ارزشی و فرهنگی در جوامع می‌باشد.

مدل به‌کار گرفته شده در این پژوهش نیز از مدل، کانبه و راتزل^۳ (۲۰۱۰) و کربونل و فریجترز^۴ (۲۰۰۴) استخراج شده است:

$$HA_{it} = \beta_1 Y_{it} + \beta_2 HE_{it} + \beta_3 ED_{it} + \beta_4 CH_{it} + \beta_5 Age_{it} + \beta_6 Age_{it}^2 + \varepsilon_{it}$$

۱- Self - Report Inventory، از اصطلاحات به‌کار رفته در علوم تربیتی می‌باشد.

2- WVS brochure (2010).

3- Knabe and Rätzl, 2010, pp. 77-79.

4- Carbonell and Frijters, 2004, pp. 650-652.

که در آن HA_{it} شادی هر فرد می‌باشد (و اعداد ترتیبی ۱ الی ۴ را به خود اختصاص داده و میزان شادی نیروی کار را نشان می‌دهد)، Y_{it} وضعیت مالی خانواده‌ی هر فرد می‌باشد که در این تحقیق به‌عنوان بهترین نماینده برای متغیر درآمد انتخاب شده است (براساس مقیاسی از ۱ الی ۱۰)، HE_{it} وضعیت سلامتی فرد است که به‌صورت خودسنجی^۱ اندازه‌گیری می‌شود (که براساس مقیاسی از ۱ (بد) الی ۴ (خیلی خوب) می‌باشد). ED_{it} سطح تحصیلات هر فرد است (براساس مقیاسی از ۱ الی ۸، فاقد تحصیلات رسمی تا تحصیلات دانشگاهی). CH_{it} تعداد فرزندان خانواده هر فرد و Age_{it} سن هر فرد می‌باشد که به‌دلیل اثر غیرخطی و فزاینده‌ی آن توان دوم آن نیز در نظر گرفته شده است.^۲ جدول ۱، مشخصه‌های آمار توصیفی داده‌های به‌کار رفته را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مشخصه‌های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مد	واریانس نمونه	کشیدگی	چولگی	حداقل	حداکثر
شادی	۲/۹۱۲	۰/۸۲۳	۳	۰/۶۷۸	-۰/۱۳۶	-۰/۵۱۹	۱	۴
درآمد	۵/۰۸۱	۱/۹۳۸	۵	۳/۷۵۸	-۰/۴۷۴	۰/۰۶۷	۱	۱۰
سلامت	۲/۸۸۳	۰/۸۲۲	۳	۰/۶۷۵	-۰/۳۲۶	-۰/۴۰۱	۱	۴
تحصیلات	۵/۰۰۴	۲/۴۹۱	۸	۶/۲۰۴	-۱/۳۵۰	-۰/۲۳	۱	۸
تعداد فرزند	۱/۸۲۲	۱/۹۶۹	۰	۳/۸۷۷	۰/۷۲۵	۱/۱۲۲	۰	۸
سن	۳۵/۷۰۳	۱۲/۳۶۷	۲۴	۱۵۲/۹۴۶	۰/۵۶۷	۰/۹۴	۱۸	۶۵

منبع: محاسبات تحقیق

۵- یافته‌های تجربی و تحلیل یافته‌ها

نتایج حاصل از تخمین مدل مذکور به روش داده‌های تابلویی احتمالات ترتیبی در جداول ۲ الی ۵ ارائه شده است. نتایج به‌دست آمده از تمامی روش‌ها حاکی از وجود اثر مثبت و معنی‌دار درآمد بر روی شادی نیروی کار است. نتایج جدول ۲، نشان دهنده‌ی تخمین مدل در حالت انباشته و برای حالت جداگانه در دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ می‌باشد.

۱- مطالعات خودسنجی نوعی از مطالعات بررسی، پرسش‌نامه‌ای و نظرسنجی می‌باشند که در آن پاسخ‌دهندگان سؤال را خوانده و پاسخ را خودشان و بدون دخالت محقق ارائه می‌دهند. به‌عبارت دیگر نوعی از روش مطالعه که از مخاطب درباره‌ی احساسات، رفتارها، عقاید و غیره پرسیده می‌شود.

2- Carbonell and Frijters, 2004.

جدول ۲- نتایج حاصل از تخمین مدل به‌روش پروبیت ترتیبی

۲۰۰۵	۲۰۰۰	Pooled	
۰/۱۰۲*** (۰/۰۱۷)	۰/۰۸۳*** (۰/۰۱۷)	۰/۰۸۸*** (۰/۰۱۲)	درآمد
۰/۳۶۸*** (۰/۰۴۱)	۰/۳۱*** (۰/۰۴۱)	۰/۳۱۷*** (۰/۰۲۸)	سلامت
۰/۰۱۹ (۰/۰۱۵)	۰/۰۳۶** (۰/۰۱۵)	۰/۰۲۱** (۰/۰۱)	تحصیلات
-۰/۰۲۸ (۰/۰۲۶)	-۰/۰۴۴* (۰/۰۲۳)	-۰/۰۳۹** (۰/۰۰۵)	تعداد فرزند
۰/۰۹۷*** (۰/۰۰۸)	۰/۰۷۳*** (۰/۰۰۸)	۰/۰۸۵*** (۰/۰۰۵)	سن
-۰/۰۰۱*** (۰/۰۰۰۱)	-۰/۰۰۰۷*** (۰/۰۰۰۱)	-۰/۰۰۹*** (۰/۷۲۸)	مجذور سن
-۱۰۶۱/۹۶۴۴	-۲۷۷/۱۵۴۹	-۲۴۱۱/۳۷۸۲	لگاریتم راستنمایی
۱۰۷۲	۱۰۴۲	۲۱۱۴	مشاهدات

***،**،* به ترتیب سطح معنی‌داری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می‌دهند.

منبع: محاسبات تحقیق

به‌طوری‌که یافته‌های مطالعات روان‌شناختی بر این مسئله صحه می‌گذارد که اگر کارگران در انجام کارهای خود واقعاً احساس شادی داشته باشند، در این‌صورت ۱۸۰٪ شادتر در کل زندگی، ۱۸۰٪ دارای انرژی بیش‌تر برای کار و فعالیت و تقریباً دارای ۵۰ درصد بهره‌وری بیش‌تر نسبت به سایر کارگرانی خواهند بود که دارای شادی کم‌تری می‌باشند.

جدول ۳، نتایج ناشی از تخمین مدل به روش اثرات ثابت و جدول ۴ ارائه دهنده‌ی دو روش تخمین، اثرات تصادفی احتمالات ترتیبی و اثرات تصادفی احتمالات ترتیبی با تصحیح موندلاک می‌باشد، به‌طوری‌که باتوجه به روش تصحیح موندلاک، در صورت وجود هم‌بستگی بین اثرات فردی و متغیرهای مدل، برای این‌که تخمین زنده اثرات تصادفی تخمین‌زنده سازگاری باشد، میانگین گروهی متغیرها را نیز وارد مدل می‌کنیم. به‌این ترتیب همان‌طور که مشاهده می‌شود، به‌جز ضریب سلامت و تحصیلات، ضرایب سایر متغیرها در حالت میانگین گروهی معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۳- نتایج حاصل از تخمین مدل به روش پروبیت ترتیبی با اثرات ثابت

Prob	St.Error	ضریب	
۰/۰۳۳	۰/۰۳۵	۰/۰۷۶**	درآمد
۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	۰/۸۶۳***	سلامت
۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۸۷***	تحصیلات
۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۱۱**	تعداد فرزند
۰/۰۸۸	۰/۰۳۶	۰/۰۶۳*	سن
۰/۰۸۳	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۸*	مجذور سن
۰/۰۰۰	۰/۱۱	۱/۳۹۳***	Mu(01)
۰/۰۰۰	۰/۱۵۹	۳/۹۸۷***	Mu(02)
۲۲۰۰/۴۹۲	آماره‌ی AIC	-۶۹۰/۲۴۶۲	لگاریتم راستنمایی
تعداد مشاهدات ۲۱۱۴			

***, **, * به ترتیب سطح معنی داری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می‌دهند

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۴- نتایج حاصل از تخمین مدل به روش پروبیت ترتیبی با اثرات تصادفی و اثرات تصادفی با تصحیح موندلاک

اثرات تصادفی احتمالات ترتیبی			اثرات تصادفی احتمالات ترتیبی با تصحیح موندلاک			
Prob	St.Error	ضریب	Prob	St.Error	ضریب	
۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۹۵***	۰/۲۹۲	۰/۰۳۱	۰/۰۳۲	درآمد
۰/۰۰۰	۰/۰۲۹	۰/۳۵***	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	۰/۴۳۵***	سلامت
۰/۰۳۳	۰/۰۱۲	۰/۰۲۵**	۰/۱۲۴	۰/۰۲۶	۰/۰۴۰	تحصیلات
۰/۰۳۵	۰/۰۱۸	-۰/۰۳۹**	۰/۲۰۴	۰/۰۴۵	۰/۰۵۷	تعداد فرزند
۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۹۳***	۰/۴۱۳	۰/۰۲۷	۰/۰۲۲	سن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۰۹***	۰/۴۱۲	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۲	مجذور سن
			۰/۰۰۷	۰/۰۳۴	۰/۰۶۳*	میانگین درآمد
			۰/۲۱۴	۰/۰۶۸	۰/۰۸۴	میانگین سلامت
			۰/۴۶۳	۰/۰۲۹	-۰/۰۲۱	میانگین تحصیلات
			۰/۰۱۲	۰/۰۴۹	-۰/۱۲۳**	میانگین تعداد فرزند
			۰/۰۰۱	۰/۰۲۹	۰/۰۷۴**	میانگین سن
			۰/۰۴۸	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۷*	میانگین سن ^۲
۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۹۹۸***	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	۱/۰۳۳***	Mu(01)
۰/۰۰۰	۰/۰۹۴	۲/۵۶۷***	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸	۲/۶۱۹***	Mu(02)
۰/۰۰۰	۰/۰۸۸	۰/۴۵۲***	۰/۰۰۰	۰/۰۸۵	۰/۴۹۶***	Sigma
۴۸۳۴/۴۳	آماره‌ی AIC	-۲۴۰۸/۲۱۵۴	۴۸۳۶/۶	آماره‌ی AIC	-۲۴۰۳/۲۸۲۹	لگاریتم راستنمایی
۲۱۱۴			۲۱۱۴			مشاهدات

***, **, * به ترتیب سطح معنی داری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می‌دهند.

منبع: محاسبات تحقیق

براساس تخمین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی ارائه شده در جداول ۳ الی ۴، مقدار لگاریتم راستنمایی با تصحیح موندلاک برای مدل اثرات ثابت با میانگین گروه‌های اضافه شده برابر با ۲۴۰۳/۲۸- (جدول ۴) است. آماره‌ی نسبت راستنمایی برای فرضیه‌ای که در آن ضرایب همه‌ی میانگین‌ها مساوی صفر می‌باشد، برابر با ۱۹/۲۱ و $Prob=0.00$ است که فرض صفر به‌طور حتم رد می‌شود، بنابراین نتیجه می‌گیریم که مدل اثرات ثابت بر مدل اثرات تصادفی برتری داشته و نتایج آن قابل استناد می‌باشد.

باید به این نکته توجه داشت که این پارامترها از روش حداکثر راستنمایی به‌دست می‌آیند. به‌طوری‌که بیش‌تر نرم‌افزارهای اقتصادسنجی روش حداکثر راستنمایی را برای دو حالت احتمال ترتیبی^۱ و لوجیت ترتیبی^۲ به‌کار می‌برند. تفاوت این دو گزینه در این است که حالت احتمال ترتیبی به فرض توزیع استاندارد جملات خطا وابسته می‌باشد، ولی لوجیت ترتیبی از فرض توزیع لوجیستیک جملات خطا پیروی می‌کند. بیش‌تر اقتصاددانان از فرض توزیع نرمال استفاده می‌کنند، اما بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی از فرض توزیع لوجیستیک پیروی می‌کنند، که در نهایت کاربرد هر دو گزینه، تفاوت بسیار کمی در نتایج را به‌دنبال دارد.

با توجه به این‌که مدل در بردارنده‌ی توان دوم متغیر سن می‌باشد، لذا می‌توان مقدار بهینه‌ی سن حداکثر کننده‌ی شادی در منحنی با تقعر رو به‌پایین را محاسبه کرد. این مقدار حداکثر شادی، نشان دهنده‌ی متوسط سن نیروی کار است که بعد از آن تأثیر متغیر سن بر شادی نیروی کار منفی می‌شود. برای محاسبه‌ی این رقم اگر از معادله‌ی تخمین زده شده نسبت به سن مشتق گرفته و آن را برابر صفر قرار دهیم، در این حالت مقدار بهینه‌ی سن نیروی کار که حداکثر کننده‌ی شادی است، به‌دست می‌آید. نتایج این محاسبات برای هر سه حالت در جدول ۵ نشان داده شده است. در این جدول مقادیر به‌دست آمده از محاسبه‌ی مقادیر حداکثری شادی برای هر ۳ حالت، ادغام شده و به‌تفکیک سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که مقدار بهینه‌ی سن از ۵۲ سال در سال ۲۰۰۰، به ۴۸/۵ سال در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است.

1- Ordered Probit.

2- Ordered Logit.

جدول ۵- نتایج حاصل از محاسبه‌ی سن حداکثرکننده‌ی شادی برای نیروی کار

۲۰۰۵	۲۰۰۰	POOLED	دوره
۴۸/۵	۵۲/۱۴	۴۷/۲۲	سن بهینه

منبع: محاسبات تحقیق

کاهش سن حداکثرکننده‌ی شادی در طی دوره‌ی ۵ ساله از کانال‌های مختلفی قابل بررسی است. توجه به بحث احساسات بر روی رفاه ذهنی در بین اقتصاددانان در حال رشد است. تاکنون نیز مطالعه‌ی تأثیر نیروهای عاطفی در تحلیل‌ها و مطالعات تجربی اقتصادی در ادبیات اقتصاد شادی، درکانون توجه قرار گرفته است. یافته‌های محققان در باب تأثیر شادی بر بهره‌وری نشان می‌دهد نه تنها شادی بهره‌وری را افزایش می‌دهد، بلکه همان‌طور که اوسوالد و همکاران (۲۰۰۹)^۱ نیز بیان می‌کنند، این افزایش به‌صورت خود مارپیچی می‌باشد. به این صورت که شادی عامل افزایش بهره‌وری و بهره‌وری عامل افزایش شادی است. با توجه به کاهش سن حداکثرکننده‌ی شادی در سال ۲۰۰۵ به ۴۸/۵ سال، در عمل این امکان وجود دارد که بهره‌وری نیروی کار بعد از این سن به‌دلیل کاهش شادی دچار افت شود.

کاهش زود هنگام سن حداکثرکننده‌ی شادی، عملاً اجرایی شدن سیاست‌های افزایش سن بازنشستگی را از دو جهت با مشکل مواجه می‌کند. اول این‌که، همان‌طور که در بالا اشاره شد به‌دلیل مشکل بهره‌وری، هزینه‌ی بالا بردن سن بازنشستگی به‌دلیل کاهش بهره‌وری نیروی کار، افزایش می‌یابد. مسئله‌ی دوم، نگرش نیروی کار به مسئله‌ی کار است که با کاهش رضایت‌مندی و افزایش سن، انگیزه‌ی کار کاهش یافته که در نتیجه احتمالاً پیاده کردن چنین سیاست‌هایی با مخالفت نیروی کار و اتحادیه‌های کارگری مواجه می‌شود.

توجه به ضریب تحصیلات در تخمین‌های جداگانه نشان می‌دهد این ضریب در سال ۲۰۰۰ مثبت و معنی‌دار است، ولی در سال ۲۰۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد. معنی‌دار نبودن ضریب تحصیلات و اثر آن بر میزان شادی در بسیاری از مطالعات نیز مورد بررسی قرار گرفته است. به‌ویژه در مطالعاتی که توسط روانشناسان انجام شده، یک هم‌بستگی کوچک اما معنی‌دار بین تحصیلات و رفاه ذهنی مشاهده شده است.^۲ این مطالعات نشان می‌دهند که تحصیلات، هم‌بستگی بالایی را با رفاه افرادی که از درآمد پایین‌تری

1- Oswald et al.

2- Cantril, 1965; Campbell et al., 1979; Diener et al., 1993.

برخوردارند، دارد.^۱ رابطه‌ی ضعیف بین تحصیلات و شادی به دلیل کواریانس شادی با درآمد یا وضعیت شغلی و حرفه‌ای افراد است.^۲ به این صورت که تحصیلات تنها به صورت غیرمستقیم به رفاه وابسته می‌باشد. این نتیجه با مطالعاتی که در این مورد انجام گرفته‌اند تأیید می‌شود، به این صورت که نتایج این مطالعات نشان می‌دهد در صورتی که در بررسی رابطه‌ی بین تحصیلات و شادی اثرات درآمد را کنترل شود، احتمالاً رابطه‌ی غیرمعنی‌دار و حتی منفی نیز به دست می‌آید.^۳ از سوی دیگر، اگر وضعیت شغلی و حرفه‌ای افراد نیز به جای درآمد در کانون توجه قرار گیرد، نتایج به همان صورت خواهد بود. زمانی که ویتز و همکاران^۴ (۱۹۸۴) وضعیت شغلی افراد را کنترل کردند، به این نتیجه رسیدند که متوسط اندازه‌ی تأثیر تحصیلات بر روی شادی از ۰/۱۳ به ۰/۰۶ کاهش می‌یابد، بنابراین مهم دلیل رابطه‌ی بین تحصیلات و شادی به علت وجود هم‌بستگی بین تحصیلات با وضعیت شغلی و حرفه‌ای و درآمد است. همان‌طور که گفته شد، تحصیلات دارای تأثیر غیرمستقیم بر رفاه ذهنی افراد می‌باشد. تحصیلات به افراد اجازه می‌دهد تا به اهداف و خواسته‌هایشان زودتر دست پیدا کنند یا با تغییرات اتفاق افتاده در دنیای اطرافشان بهتر تطابق یابند. از سوی دیگر، احتمالاً تحصیلات انتظارات را بالا می‌برد. همان‌طور که اُسوالد و کلارک^۵ (۱۹۹۴) نشان داده‌اند، افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به افرادی که از سطح تحصیلات کم‌تری برخوردارند، زمانی که بیکار می‌شوند بیش‌تر دچار بحران روحی، تنش و اضطراب می‌شوند و یا به عبارت دیگر بیش‌تر آسیب می‌بینند. جدا از مسئله‌ی کار، این گروه افراد به دلیل سطح توقعات و انتظارات بالاتر، بیش‌تر آزار می‌بینند، بنابراین در صورتی که توقعات و انتظارات افراد برآورده نشود، تحصیلات می‌تواند با رفاه افراد تداخل ایجاد کند. بررسی این مسئله در کشورهای مختلف نتایج را تأیید می‌کند. در کشورهای توسعه یافته ارتباط معکوسی بین سطح آموزش و نرخ بیکاری وجود دارد و این بدین معنی است که هر چه سطح آموزش پایین‌تر باشد، نرخ بیکاری بالاتر است. در حقیقت، در بیش‌تر این کشورها آموزش به‌طور عمده به معنی افزایش تکامل توانایی‌ها، مهارت‌ها و قابلیت‌های انسانی بوده و به ارتقای بهره‌وری می‌انجامد و لزوماً با کاهش بیکاری همراه است. در چنین شرایطی افراد تا آن‌جا که می‌توانند آموزش می‌بینند تا با بالابردن

1- Campbell, 1981; Diener et al., 1992.

2- Campbell, 1981; Witter et al., 1984.

3- Campbell et al., 1979; Diener et al., 1992.

4- Witter et al.

5- Clark and Oswald.

بهره‌وری و توانمندی‌های خود خطر بیکاری را کاهش دهند. برعکس، در کشورهای در حال توسعه ارتباط بین آموزش و نرخ بیکاری به طور غیرمنتظره‌ای مستقیم است، به این معنی که با بالا رفتن سطح آموزش نرخ بیکاری نیز بالا می‌رود. آمارهای موجود در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه نیز چنین رابطه‌ی معما آمیزی را نشان می‌دهد. نکته‌ی دیگر قابل تأمل این است که بیکاری تحصیل کرده‌ها به معنی پیشی گرفتن عرضه بر تقاضای نیروی کار تحصیل کرده در بازار کار است.^۱

تحصیلات از دو مسیر بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اثر غیرمستقیم، با بالا رفتن سطح تحصیلات به واسطه افزایش قدرت احساس و ادراک (توانایی درک متغیرهای محیط، افزایش قدرت ارزیابی شرایط و...)، منجر به بالا رفتن سطح بهره‌وری و نیز انتظارات افراد می‌شود. اثر مستقیم نیز توانایی‌های ذهنی (افزایش تخصص و کارایی) به دست آمده از آموزش است که بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ایران رشد فزاینده‌ی جمعیت عامل اصلی و اساسی تقاضای فزاینده برای آموزش عالی می‌باشد. بی‌گمان پاسخ‌گویی به این تقاضا نیازمند توسعه‌ی سریع فضاهای آموزش بوده، که در این مسیر تمرکز به توسعه‌ی کمی و نادیده گرفتن مسائل اساسی در امر کیفیت آموزش، موجبات عدم تعادل هر چه بیش‌تر میان عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در رده‌های گوناگون را فراهم آورده است. از نشانه‌های این عدم تعادل می‌توان به طولانی‌تر شدن زمان کاریابی، اختلاف در سطح دستمزد و یا بیکاری پنهان و آشکار دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی اشاره کرد. از این رو، در طی سال‌های اخیر وجه افزایش توان فنی و تخصصی نیروی کار به واسطه‌ی افزایش تحصیلات با مشکل روبرو شده، اما هم‌چنان وجه افزایش انتظارات به دلیل سرمایه‌گذاری افراد در امر تحصیل به قوت خود باقی مانده است. به عبارت دیگر، افرادی که از تحصیلات بالاتری برخوردار می‌باشند، سطح انتظارات بالاتری از کار و زندگی داشته و از سوی دیگر، ناتوانی بازار کار در ایران در جذب نیروهای دارای تحصیلات عالی منجر به افزایش شدید نرخ بیکاری در این قشر به‌ویژه طی دو دهه‌ی اخیر شده است، به طوری که براساس آمار و اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار ایران که در جدول ۶ ارائه شده است، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی از رقم ۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۷، به رقم ۱۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است.

جدول ۶ - نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی - درصد

سال	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶
نرخ بیکاری	۶/۵	۷/۵	۸/۸	۱۰/۵	۱۳/۱	-	-	۱۴/۸	۱۴/۶	۱۵/۷

(منبع: مرکز آمار ایران)

برآورده نشدن انتظارات نیروی کار به دلیل بیکاری و یا نامناسب بودن شغل از نظر نامرتبط بودن با رشته‌ی تحصیلی، سطح پایین دستمزد، ناتوانی در به‌کارگیری آموزه‌های تئوریک به صورت عملی، منجر می‌شود تأثیر تحصیلات بر رضایت‌مندی تبدیل به یک فاکتور بی‌معنی و حتی منفی شود. از این‌رو، در بیش‌تر موارد تحصیلات در ایران نتوانسته است عامل افزایش بهره‌وری برای نیروی کار تحصیل کرده باشد. البته شایان ذکر است که در اقتصاد ایران رشد بهره‌وری نیروی کار بسیار ناچیز و در حدود ۰/۵ درصد و حداکثر ۱ درصد در سال بوده است. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضریب تحصیلات برای سال ۲۰۰۰ یک مقدار ناچیزی بوده، که حاکی از تأثیر اندک آن بر سطح رضایت‌مندی از زندگی و شادی است و در سال ۲۰۰۵ تحصیلات تأثیر معنی‌دار بر آن نداشته است.

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

امروزه بحث شادی یکی از مباحث مطرح اقتصادی می‌باشد که در کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته است تا تأثیر فاکتورهای غیرمادی را در رفتارهای اقتصادی مورد بررسی قرار دهند. هم‌چنین، تکنیک انتخاب‌های گسسته برای داده‌های پرسش‌نامه‌ی امروزه از کاربردهای فراوانی برخوردار است. از این‌رو استفاده از این تکنیک‌ها برای کشف روابط بین متغیرها در این داده‌ها بسیار کارآمد و مؤثر می‌باشد. در این مطالعه داده‌های پرسش‌نامه‌ی استخراج شده توسط سایت برابری ارزش‌های جهانی که از ماهیت داده‌های ترتیبی برخوردارند، برای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به‌کار گرفته شده است. این داده‌ها با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی انتخاب‌های ترتیبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این روش امکان ورود اثرات خاص هر فرد در مدل نیز وجود دارد که عاملی جهت افزایش دقت تخمین و نیز ارزیابی دقیق‌تر اثرگذاری متغیرها بر شادی می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از روش‌های مختلف تخمین مدل نشان می‌دهد که متغیرهای درآمد و سلامت دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شادی نیروی کار در ایران می‌باشند.

هم‌چنین یافته‌های تجربی این مطالعه حاکی از آن است که تحصیلات در سال ۲۰۰۰ تأثیر ناچیزی بر سطح رضایت‌مندی از زندگی و شادی داشته و در سال ۲۰۰۵ تأثیر معنی‌دار نداشته است.

با توجه به این‌که ضریب تأثیرگذاری سلامت بر شادی از دیگر متغیرهای توضیحی، بیش‌تر است، لذا دولت می‌تواند با در اولویت قرار دادن افزایش سطح سلامت جامعه، شادی نیروی کار را بهبود بخشد که خود این امر منجر به افزایش بهره‌وری و در نتیجه درآمد نیروی کار خواهد شد که در نهایت افزایش درآمد شادی نیروی کار را در پی داشته و این جریان مثبت در اقتصاد تقویت خواهد شد.

هم‌چنین براساس یافته‌های تجربی تحقیق، سن حداکثرکننده‌ی شادی نیروی کار از ۵۲ در سال ۲۰۰۰ به ۴۸/۵ در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است که این امر می‌تواند افزایش سن بازنشستگی را با چالش مواجه سازد. چرا که با افزایش سن بازنشستگی، شادی نیروی کار کاهش یافته و موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار می‌گردد که خود این امر کاهش هرچه بیش‌تر شادی نیروی کار را فراهم می‌نماید. از این رو توصیه می‌شود سن بازنشستگی تا حد ممکن کاش یابد تا میزان شادی نیروی کار در طول عمر خدمت افزایش یابد.

فهرست منابع

- ۱- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، نتایج آمارگیری نیروی کار، تهران (www.amar.org.ir)
- 2- Angelo, A.D., and Zazzaro, A. (2009). Happiness and relative income in Italy. working paper.
- 3- Argyle, M. (2001). The Psychology of Happiness. East Sussex, Great Britain, Routledge.
- 4- Boehm, J.K., and Lyubomirsky, S. (2008). Does happiness lead to career success?. Journal of Career Assessment, Vol. 16, No. 1, pp.101-116.
- 5- Campbell A. (1981). The sense of well-being in America. New York, McGraw-Hill.
- 6- Campell A., Converse, P.E., and Rodgers, W.L. (1979). The quality of American life: perceptions, evaluations, and satisfactions, vol. 6, No. 4, pp. 487-490.
- 7- Cantril, H. (1965). The pattern of human concern. New Brunswick, Rutgers University Press
- 8- Caporale G. M., Georgellis, Y., Tsitsianis, N., Yin, Y. P. (2009). Income and happiness across Europe: Do reference values matter?. Journal of Economic Psychology, vol. 30, No. 1, pp. 42-51.

- 9- Clark, A.E., and A.J. Oswald. (1994). Unhappiness and unemployment. *Economic Journal*, Vol. 104, No. 424, pp. 648–59.
- 10- Diener E., Sandwick, E., Pavot, W., and Fujita, F. (1992). Extraversion and subjective well-being in a U.S. national probability sample. *Journal of Research in Personality*, Vol. 26, No. 3, pp. 205-215.
- 11- Easterlin, R.A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence, in P.A. David and M.W. Reder, eds. *Nations and Households in Economic Growth*, pp. 89–125, Essays in Honour of Moses Abramowitz, Academic Press, New York and London.
- 12- Easterlin, R.A. (2001). Income and happiness: Towards a unified theory. *Economic Journal*, vol. 111, No. 108, pp. 456-484.
- 13- Ferrer-i-Carbonell, A., Frijters, P. (2004). How important is methodology for the estimates of the determinants of happiness?. *Economic Journal*, vol. 114, No. 497, pp. 641–659.
- 14- Frey, S.B, Stutzer, A. (2002). The Economics of happiness, *World Economics Journal*, vol. 3, No. 1, pp. 1-17.
- 15- Golden, L., and Wiens-Tuers, B. (2005). Mandatory overtime work in the United States: who, where, and what?, *Labor Studies Journal*, vol. 30, No. 1, pp. 1-26.
- 16- Knabe, A., and Rätzel. (2010). Income, happiness, and the disutility of labor, *Journal of Economics Letters*, vol. 107, No. 1, pp. 77–79.
- 17- Lindenberg, S. and Schreuder, H. (1993). *Interdisciplinary Perspectives on Organization Studies*, Oxford, Pergamon Press.
- 18- Mantzavinos, C., North, C.D., Shariq, S. (2004). Learning, Institutions, and Economic Performance, *Perspectives on Politics*, vol. 2, No. 1, pp. 75-84
- 19- May, D. (2007). Determinants of Well-Being, Newfoundland and Labrador Statistics Agency, www.budgaultonphotography.com
- 20- Oswald, A. J., Proto, E., and Sgroi, D. (2009). Happiness and productivity, *IZA Discussion Papers*, vol. 4645, pp. 1-51.
- 21- Pouwels, B., Siegers, and Vlasblom, (2007). Income, working hours and happiness, *Economics Letters*, vol. 99, No.1, pp. 72–74.
- 22- Sanyal, B.C. (2008). Education and employment revisited: search for education-employment, *International Institute for Educational Planning*
- 23- Stevenson, B., and Wolfers, J. (2008). Economic Growth and Subjective Well-Being: Reassessing the Easterlin Paradox, *Brookings Papers on Economic Activity*.
- 24- Witter, R.A., Okun, M.A., Stock, W.A., and Haring, M.J. (1984). Education and subjective well-Being: A meta-analysis, *Educational Evaluation and Policy Analysis*, vol. 6, No. 2, pp. 165-173.
- 25- Wright, T.A., and Staw, B.M. (1999). Affect and favorable work outcomes: Two longitudinal tests of the happy-productive worker thesis, *Journal of Organizational Behaviour*, vol. 20, No. 1, pp. 1–23.
- 26- WVS. (2010). Values change the world, www.worldvaluessurvey.org, WVS brochure.